

به نام خدا

رابطه استفاده از تلویزیون با نگرش به حقوق شهروندی

مؤلف :

دکتر روانبخش جهانشاهی

انتشارات بامن

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: جهانشاهی، روانبخش، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور: رابطه استفاده از تلویزیون با نگرش به حقوق شهروندی / مولف روانبخش جهانشاهی.
مشخصات نشر: انتشارات بامن، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۴۳ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۶۶-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص ۴۳-۴۰.
موضوع: استفاده از تلویزیون - نگرش به حقوق شهروندی
رده بندی کنگره: GV۷۱۸
رده بندی دیویی: ۸۰۷
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۱۴۱۷۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: رابطه استفاده از تلویزیون با نگرش به حقوق شهروندی
مولف: دکتر روانبخش جهانشاهی
ناشر: انتشارات بامن
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زیرجد
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۶۶-۵
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۵.....	فصل اول
۵.....	کلیات
۵.....	مقدمه
۷.....	رابطه استفاده از رسانه (تلویزیون) در جامعه ایران
۱۱.....	اهمیت رابطه استفاده از تلویزیون با نگرش به حقوق شهروندی
۱۳.....	فصل دوم
۱۳.....	مبانی نظری حقوق شهروندی
۱۳.....	مفهوم نگرش
۱۳.....	تعریف نگرش
۱۴.....	ساخت نگرش
۱۵.....	مفهوم شهروند و شهروندی
۱۵.....	تعریف شهروند و شهروندی
۱۷.....	حقوق شهروندی
۱۸.....	طرح نظری حقوق شهروندی
۲۵.....	تلفیق و ترکیب نظریه های اجتماعی شهروندی
۲۵.....	نظریه اجتماعی شهروندی کانونی مارشال
۲۶.....	تعریف شهروندی
۲۷.....	گسترش تاریخی شهروندی
۲۷.....	ابعاد سه گانه شهروندی
۲۸.....	حق مشارکت
۲۸.....	حق رفاه
۲۹.....	نظریه پرورش
۳۰.....	روش تحقیق در نظریه پرورش
۳۴.....	مخاطب شناسی
۳۶.....	نتیجه گیری
۳۸.....	فصل سوم
۳۸.....	نتیجه گیری
۳۸.....	نتیجه گیری

فصل اول

کلیات

مقدمه

شهروندی از مهم ترین ایده های اجتماعی و یکی از مولفه های مهم نظام های سیاسی و دموکراتیک و شاخصی مهم برای نشان دادن تحقق دموکراسی در جامعه است. محتوا و مفهوم شهروندی ثابت نبوده و در طول تاریخ، تغییر پیدا کرده است. شهروندی (انگلیسی: citizen ship) از مشتقات شهر (city) است. شهروندی را قالب پیشرفته «شهروندی» می دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهروندی هنجاری است که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته اند. شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می شد، اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده است امروزه نیز بسیاری به «شهروندی جهانی»^۱ می اندیشند. یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت هایی را به شهروند یادآور می شود که در قانون پیش بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر اصول و هدف ها و وظایف و روش انجام آن است. (شکری، ۱۳۸۶: ۸۰) در واقع حقوق شهروندی آمیخته ای است از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا بطور کلی قوای حاکم می باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیتها^۲ «حقوق شهروندی» اطلاق میشود (شکری، ۱۳۸۶: ۷۲). مجموعه به هم پیوسته ای از حقوق، وظایف و تعهدات و برخورداری برابر تمامی اعضای جامعه از مزایا و منابع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و

1.Global Citizenship
2.Citizenship rights and responsibilities

فرهنگی، هسته مشترک تعاریف مختلف شهروندی است. به تعبیر فیتز پتریک، شهروندی بر دو اصل مبتنی است: اول این که دولت، تکثرگرا و دموکراتیک باشد، زیرا دولت‌های دیکتاتوری و سلطنتی شهروند ندارند، بلکه دارای تبعه و رعیت هستند. دوم این که جامعه مدنی باید باز و آزاد باشد. شهروندی در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که دولت و جامعه مدنی عامل متعادل‌کننده یکدیگر باشند.

شهروندی را می‌توان به وضعیت اعضای جامعه‌ای که آزاد، دموکراتیک و از لحاظ اجتماعی مساوات طلب هستند، اطلاق کرد. توجه به این نکته اهمیت دارد که شهروندان هم حکمران و هم تبعه جامعه سیاسی هستند، یعنی از قوانین و مقرراتی پیروی می‌کنند که خودشان به وجود آورده‌اند. شهروندی اشاره به زندگی روز مره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و بطور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد است. شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگر چه فردی باشند، اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد (قسیم‌اخگر، ۱۳۸۵: ۱۸). عضویت افراد در جوامع مدرن با موقعیت شهروندی آنان نشان داده می‌شود. شهروندان دارای مجموعه گسترده‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی هستند. در این میان یکی از اساسی‌ترین حقوق، حق مشارکت در قانون‌گذاری و حکومت است که شهروندی فعال^۲ به عنوان مبنای حاکمیت مردمی بر پایه آن شکل می‌گیرد. این حقوق با مجموعه‌ای از وظایف و تعهدات در قبال جامعه و دولت متوازن میشوند. در مقابل، دولت - ملت نیز باید تمامی افرادی را که در قلمرو سرزمین آن زندگی می‌کنند، تحت پوشش قرار دهد. به عبارت دیگر، شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسوولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند. در مورد این پدیده، تحقیقات بسیاری از اندیشمندان مختلف صورت گرفته است که عمدتاً بر کار تی.اچ. مارشال تمرکز داشته‌اند.

در این میان آموزش شهروندی در زمینه آموزش این حقوق و تکالیف و مسئولیت ها باید مورد توجه قرار گیرد. آموزش شهروندی بطور غیر رسمی در خانه یا محل کار یا کارگاههای آموزشی و یا بطور رسمی بصورت سر فصل درسی مجزا در مدارس و یا بصورت رشته تحصیلی دانشگاهی یا رسانه ملی در واقع به شهروندان می آموزد که چگونه یک شهروند فعال ، آگاه و مسئول می توانند باشند، در واقع مبنای این آموزشها پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست، بلکه به آنان می آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ کنند . تربیت شهروندی ، یکی از فروع شهروندی است . (برخورداری : ۱۳۸۱) شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می شود و دولت نیز آموزش های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می دهد . یکی از ابزارهایی که دولت جهت آشنایی با حقوق و مسئولیت های شهروندی و نیز فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت های اجتماعی به شهروندان از آن بهره می برد رسانه ملی (تلویزیون) می باشد ، که این رسانه در آشنا کردن شهروندان به مسئولیت اجتماعی، فردی و... در سالهای اخیر اقداماتی را انجام داده است. درواقع کار ویژه و اساسی در رسانه ها ، باز تولید و توزیع آگاهی است . این آگاهی ما را قادر می سازد تا به تجربه خود معنا بخشیده و ادراک خود را شکل دهیم.

رابطه استفاده از رسانه(تلویزیون)در جامعه ایران

موضوع این رساله واری ، تحلیل و تبیین رابطه استفاده از تلویزیون با نگرش به یک پدیده اجتماعی نوپدید در جامعه ایران کنونی یعنی شهروندی از چشم انداز جامعه شناسی است . شهروندی یکی از مهمترین مفاهیم و ایده های اجتماعی است، که در بازخوانی رابطه فرد و جامعه کارایی دارد که در یک تعریف متعارف و مورد اجماع در جامعه شناسی شهروندی و نظریه های اجتماعی شهروندی به معنای " یک موقعیت و پایگاه اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای یک جامعه به مثابه عضویت اجتماعی است و حاوی مجموعه بهم پیوسته ای ازوظایف، حقوق ، تکالیف ، مسئولیت های برابر و همگانی فارغ از تعلقات قومی ، نژادی ، فرهنگی ، مذهبی و طبقاتی است که از طرف نظام حقوقی سیاسی (دولت) نیز مورد حمایت قرار میگیرد و در نهایت منجر به حس تعلق اجتماعی به جامعه و مشارکت اجتماعی سیاسی و برخورداری برابر از امتیازات و

منابع می شود" (نجاتی حسینی، ۱۳۸۱: ۱). «شهروندی رابطه فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی میکند و هر دو عنصر فردگرایانه و جمع‌گرایانه را در خود دارد». بدین ترتیب که شهروندی از یک طرف با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می‌دهد که فارغ از هرگونه دخالت، منافع خود را دنبال نماید و همچنین فرد را قادر می‌سازد که دستی در شکل دادن به نهادهای حکومتی عمومی داشته باشد و از طرف دیگر بر مسئولیت‌هایی که باید برای پایداری جوامع سیاسی و محیط طبیعی مان بپذیریم تأکید می‌کند. بنابراین تنها در این بستر اجتماعی است که روابط انسانی پایدار بوده و حقوق، قابل تحقق است. (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۰). شهروندی با طرح این تقاضا که با همه افراد به طور برابر رفتار شود، می‌تواند ریشه‌های تنش اجتماعی را که نظم اجتماعی را تهدید می‌کند بخشکاند. شهروندی به مدد مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند. (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۵). اعضای جامعه زمانی مجال مشارکت می‌یابند که نسبت به حقوق و وظایف و تعهدات خود از یکسو و حقوق و وظایف و مسئولیت‌های نهادهای موجود از سوی دیگر آگاهی داشته و به آن عمل نمایند. این شناخت و عمل به آن درگرو به رسمیت شناختن شهروندی است. بنابراین شهروندی را می‌توان هسته اصلی مشارکت اجتماعی و سیاسی یک جامعه دانست و مشارکت فعال را تعریف کننده جزئی از حقوق و وظایف شهروندی به حساب آورد. پس به منظور تحقق جامعه‌ای سالم بایستی زمینه را برای تحقق شهروندی فراهم نمود. در ایران به علت تضاد حکومت استبدادی با مناسبات و مسئولیت‌پذیری شهروندی، هرگز نه مناسبات شهروندی در ایران نهادینه شد و نه ایرانیان توانستند به خود به عنوان شهروند نگریده و با درخواست حقوق و امتیازات شهروندی و مسئولیت‌پذیری نسبت به آن از هویت شهروندی برخوردار شوند. «از حیث جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی» شهروندی در ایران پس از انقلاب ۵۷ به عنوان یک پدیده مدرن و به صورت یک هسته اولیه تحت تأثیر الزامات مدرنیستی و هم‌چنین نهادسازی‌های حقوقی - سیاسی و بسترسازی‌های توسعه‌ای و حقوقی شکل گرفته است. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۱: ۱)

تمام نظریه پردازان شهروندی بر دو بُعد وظایف و حقوق شهروندی تأکید می‌کنند. تأکید یک سویه و یک جانبه بر هر یک از این ابعاد دوگانه و عدم آگاهی کافی از سایر ابعاد که ناشی از محقق نشدن شهروندی در بین افراد جامعه است، می‌تواند برای

هرجامعه‌ای مشکل ساز و بحران آفرین باشد. در ایران به دلیل عدم برخورداری - آن هم برای قرن‌ها - از حقوق شهروندی و تلقی از مردم به عنوان "عوام و رعایا"، از زمان انقلاب مشروطیت که بحث تجدد، محدود شدن سلطنت، پیدایش مجلس، دخالت مردم در سرنوشت جامعه خود و بالاخره شهروندی مطرح گردید، به نحوی کاملاً نامتعادل تنها بر حقوق شهروندی تاکید روا شده است و کمتر سخنی از وظایف شهروندی به میان آمده است. اکثر افراد که طالب حقوق شهروندی هستند، وظایف همراه با آن را نمی‌شناسند و حاضر به انجام آن نیستند (پیران، ۸۵: ۹). «کارکرد اصلی شهروندی عبارت است از اداره جامعه بر طبق اصول احترام به حقوق دیگران و تعهد به ایفای نقش در حفظ نهادهای مشترک که این حقوق را پایدار می‌دارند». (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۱۱).

داشتن جامعه‌ای شهروند مدار مستلزم این است که اعضای جامعه آموزش‌های لازم شهروندی را دریافت نموده باشند و به عبارتی هویت شهروندی کسب نموده باشند. در نتیجه، آموزش شهروندی از جمله موارد مورد توجهی است که باید از طرق مختلف به آن اقدام شود و چنین باوری در سطح جامعه نشر یابد و مسئولین جامعه و متولیان فرهنگی از طریق ابزارهای موجود مکلف به انتشار آن هستند. دولت می‌بایست از طریق سازمان‌هایی که در اختیار دارد که مهترین آن‌ها مدارس و رسانه‌ها (بویژه تلویزیون) هستند، نگرشها و تفکرات و آگاهی‌های لازم را در جامعه ایجاد کند. رسانه‌ها بویژه تلویزیون خود بمنزله پدیده نو در جامعه به شمار می‌روند که بر کلیه وجوه زندگی انسان سایه افکنده و به آن‌ها سمت و سو می‌دهند. پژوهش‌هایی که در زمینه اثر بخشی این پدیده بر مخاطبان صورت گرفته نشان می‌دهد که وسایل ارتباط جمعی، خاصه تلویزیون، از جمله عوامل مهم تأثیر- گذار در شیوه و کیفیت زندگی و گروهی افراد است. سلطه این ابزار تا آنجاست که خصوصی‌ترین تجربه‌های انسانی از جمله هیجان‌ها و احساسات عمیق را برمی‌انگیزد و در جهت دلخواه خود هدایت می‌کند و به این ترتیب واکنش‌های رفتاری او را در راستای اهداف و سیاست‌های خود شکل می‌دهد.

تلویزیون وسیله‌ای است که استفاده از آن به هیچ تخصص و دانش ویژه‌ای نیاز ندارد، به طوری که کلیه گروه‌های سنی و جنسی در اجتماع، به آسانی به آن دسترسی دارند و متناسب با دانش، تجربه، نیازها و علایق خود از برنامه‌های آن بهره می‌برند. شاید بتوان از تلویزیون به عنوان همدم همیشگی انسان امروزی نام برد که از دوران کودکی تا

کهنسالی او را رها نمیکنند. با توجه به چرخشی که در دیدگاههای شناخت مخاطب به وجود آمده است و تبدیل شدن مخاطب منفعل به مخاطب فعال و انتخاب کننده رسانه های جمعی و همچنین با در نظر گرفتن رشد تکنولوژی رسانه ای (ظهور کانال های متعدد تلویزیونی ، رادیویی ، ویدئو ، ماهواره ، شبکه های جهانی اطلاع رسانی ، اینترنت و...) و رقابت شدیدی که برای جلب مخاطب بین رسانه های گروهی مختلف در گرفته است ، امروزه شناخت مخاطبان و آگاهی از نیازهای آنان و آگاهی دادن به آن ها در زمینه مورد نیاز آنان بیش از هر زمان دیگری حیاتی شده است (معاونت مطالعات و برنامه ریزی سازمان ملی جوانان ، ۱۳۸۳ : ۳).

مخاطب بنا به دلایل شخصی و اجتماعی به سوی استفاده از رسانه (یا رسانه ای خاص) گرایش می یابد و انگیزه اصلی وی ، که دستیابی به نوعی رضایت شخصی در انتخاب و بهره - گیری از رسانه است ، جایگزین ارتباط یک سویه سابق می شود و بر این اساس ، سلیقه و انتخاب مصرف کننده رسانه در تنظیم محتوای پیام ها تأثیر می گذارد (کاتز^۴ و همکاران ، ۱۹۸۹).

تلویزیون در دوره مدرن ابزار مناسبی در انتقال اطلاعات ، آموزش عمومی ، ایجاد نگرش مثبت یا منفی و یا تغییر نگرش سیاسی - اجتماعی مردم است، به همین دلیل است که تلویزیون و رادیو از ابزارهای مورد استفاده برنامه ریزان ، دولتمردان و سیاستمداران هر کشور برای اداره امور ، در جریان تغییر دیدگاهها و رفتار افراد بوده است . به میزانی که هدفهای توسعه ، مورد توجه قرار گرفته ، ابزارهای مورد استفاده برنامه ریزان و دولتمردان هر کشوری از قبیل رادیو و تلویزیون ، برای اداره امور جامعه و تغییر نگرش ها و رفتارها از اهمیت بیشتری برخوردار شده است . در بخش اول از توضیح اهداف کیفی صدا و سیما در برنامه دوم توسعه ، آمده است : تقویت نقش اطلاع رسانی ، آموزشی و ارشادی صدا و سیما به منظور معرفی و تبلیغ ارزشهای اسلامی - انقلابی در داخل و خارج کشور، معرفی و زمینه سازی برای تحقق اهداف توسعه در افکار عمومی (شورای برنامه ریزی صدا و سیما ، مرداد ۱۳۷۲) در همین برنامه ، هدف ، جذب مخاطب و اثر گذاری بر رفتارهای او ذکر شده است (مهدیزاده ، ۱۳۸۱ : ۱۴).